



برنامه و اساسنامه

سازمان انقلابی افغانستان



مقدمه

سازمان انقلابی افغانستان، سومین کنگره خود را در شرایطی برگزار کرد که بورژوازی امپریالیستی به طور بی پیشینه به قتل و کشتار، شکنجه و اسارت، فقر و گرسنگی، بیماری و بیکاری، توهین و تحقیر، فساد و ارتشاء دامن می زند و توده های تهیدست ما را بی محابا می کشد. این کنگره در زمانی برگزار شد که میهن عزیز ما به آزمایشگاه سلاح های سنگین امپریالیست ها تبدیل شده، رقابت امپریالیست ها در کشور ما حاد شده، دولت پوشالی بویناکتر و متعفن تر از قبل عمل نموده، در کنار نیروی سفاک طالب، داعشی های خونریز نیز به وسیله بورژوازی امپریالیستی سر و سامان گرفته به دریدن توده های تهیدست ما مشغول است و گلبدین جنایتکار به حیث مهره سیاه دنائت و جنایت، در کنار جناوران جهادی به امپریالیسم امریکائی - ناتوئی مشغول خدمت شده است.

این کنگره در حالی برگزار شد که در میان این همه جنایتگری خونین، چپ کشور ما در حالت نامطلوب و پسیف به سر می برد. عدم پیوند عمیق و فشرده با توده ها، ابتکار عمل را از چپ گرفته است. چپ ما، یا بی برنامه است و یا هم برنامه کاری مؤثر برای سمت و سوی جریان مبارزاتی توده ها ندارد. بدون مشی، برنامه و سیاست انقلابی، چپ در رخوت و فلاکت باقی می ماند و کوچک ترین گامی برای راندن امپریالیسم و انقلاب رهائی بخش ملی - دموکراتیک برداشته نمی تواند.

سازمان انقلابی افغانستان باور دارد که با برنامه عملی انقلابی می تواند نقش مؤثر در هدایت جنبش های توده ئی، جنگ رهائی بخش ملی و رسیدن به سوسیالیسم ایفاء نماید؛ به همین منظور برای افزایش مؤثریت برنامه کاری، اعضای شرکت کننده سومین کنگره سازمانی، برنامه مصوب دومین کنگره سازمان را مجدداً به بحث و تبادل نظر گذاشتند که منتج به تعدیلاتی شد که اینک به اعضای سازمان و جنبش انقلابی کشور ارائه می گردد.

مرگ بر امپریالیسم

در راه سوسیالیسم، به پیش!

۱۹ عقرب ۱۳۹۶ش

برنامه سازمان انقلابی افغانستان

ماده اول: سازمان انقلابی افغانستان معتقد به مارکسیسم، لنینیسم، اندیشه مائو تسه دون (م. ل. ا.) بوده و هدف نهائی آن را کمونیسم می سازد. «سازمان انقلابی» به حیث پیشآهنگ پرولتاریا و مدافع پیگیر منافع زحمتکشان برای تحقق سوسیالیسم در افغانستان مبارزه می کند. «سازمان انقلابی» دارای دو برنامه حداقل و حداکثر است که برنامه حداقل آن به سر رساندن انقلاب دموکراتیک نوین و برنامه حداکثر آن انجام انقلاب سوسیالیستی است.

ماده دوم: وضعیت حاکم طبقاتی در کشور ما مستعمره - نیمه فئودالی است. با تجاوز امپریالیسم امریکا - ناتو، کشور ما به مستعمره تبدیل شده که بخش اصلی اقتصاد بورژوازی در کشور ما نیز عمدتاً در چنگ بورژوازی دلال و وابسته به امپریالیسم قرار دارد و در کنار آن زندگی در حدود ۷۵ درصد مردم به اقتصاد فئودالی در دهات با تولید زراعی پراکنده و غیر میکانیزه وابسته است که این دو اقتصاد، شاخص اصلی سیمای طبقاتی جامعه ما می باشد.

ماده سوم: مرحله انقلاب ما، انقلاب ملی - دموکراتیک طراز نوین است که با دو وظیفه ملی (بیرون راندن اشغالگران و سرنگونی بورژوازی کمپرادور) و دموکراتیک (سرنگونی فئودالیسم) تکمیل می گردد. این دو وظیفه (با این که جنبه ملی آن در حال حاضر ارجحیت دارد) جدا ناپذیر بوده، به حیث یک مرحله واحد به اجراء درمی آید.

ماده چهارم: در انقلاب ملی - دموکراتیک، پرولتاریا نیروی رهبری کننده است. پرولتاریا با متشکل نمودن دهقانان، خرده بورژوازی و جلب نیروی بینابینی (بورژوازی ملی)، جبهه متحد ملی ضد بورژوازی امپریالیستی ایجاد و دشمن را به اعلی درجه تجرید می نماید. رکن عمده انقلاب دموکراتیک نوین مردم است و نیروهای محرکه این انقلاب کارگران، دهقانان و سایر طبقاتی هستند که علیه امپریالیسم و فئودالیسم می جنگند. نیروی اساسی انقلاب را کارگران و دهقانان می سازند که با درنظرداشت اکثریت دهقانی کشور ما، نیروی عمده انقلاب را از لحاظ کمی دهقانان می سازد.

ماده پنجم: پرولتاریای صنعتی در کشور ما به لحاظ توسعه کمرنگ سرمایه بزرگ صنعتی، کمیت ناچیز دارد. پرولتاریا عمدتاً در سکتور خدماتی مصروف فروش نیروی خود است و عده کمی از آن در سکتور زراعت به حیث کارگر زراعتی و تعدادی هم در فابریکه های تولید صنایع خفیفه مصروف فعالیت اند. کارگران فصلی و روز مزد طیف وسیعی را نیز می سازند. لومپن پرولتاریا، با درنظرداشت بیکاری و وابستگی عمیق باند های مافیائی با دولت پوشالی، کتله ای نسبتاً بزرگ از پرولتاریا را می سازد.

پرولتاریای صنعتی نقش تعیین کننده در انقلاب دارد. این طبقه اگر از یک طرف با صنعت بزرگ بورژوازی آشناست که سبب همبستگی صنفی این طبقه می شود؛ در عین زمان عامل عمده در منضبط بودن آن است. پرولتاریای خدماتی و زراعتی، به طور پراکنده و سکتوری مصروف فعالیت است که انضباط پذیری و همبستگی آن را تضعیف می کند. پرولتاریای فصلی و روزمزد نیروی کار خود را به شکل انفرادی به فروش می رساند و محل کار آن در حال تغییر است و در برابر همبستگی آن این یک معضل به شمار می رود. لومپن پرولتاریا، از آن جایی که بیشتر آماده خدمتگذاری به ستمگران، باند های مافیائی، دولت پوشالی و امپریالیست ها است؛ نیازمند رعایت احتیاط، دقت و هوشیاری سازمان های کمونیستی در عرصه جلب آنان به انقلاب است.

با درنظرداشت وضعیت فوق، پرولتاریا نیروی رهبری کننده انقلاب است؛ اما با درنظرداشت وضعیت کنونی و کمیتی آن، نیروی عمده انقلاب به شمار نمی رود.

ماده ششم: افغانستان کشور زراعتی است که اکثر باشندگان آن را دهقانان تشکیل می دهند. این دهقانان قرن ها تحت ستم فئودالان و ملاکان ارضی قرار داشته، در زندگی گاهی طعم خوشبختی را نچشیده اند. این طبقه در نزدیک به چهار دهه گذشته (اشغال شوروی سابق، حاکمیت جهادیان و طالبان و اشغال کنونی) بیشترین قربانی را متحمل گردیده است. دهقانان به حیث نیروی عمده انقلاب، متحدان اصلی پرولتاریا در انقلاب دموکراتیک نوین بوده، بدون اتحاد پرولتاریا با دهقانان، پیروزی بر دشمنان انقلاب ناممکن می باشد. لذا بسیج و دادن آگاهی پرولتری به دهقانان یکی از وظایف اصلی سازمان ما در حال حاضر است. پرولتاریا در اتحاد با دهقانان و خرده بورژوازی با به سر رساندن انقلاب دموکراتیک نوین و انجام انقلاب ارضی و تأمین رفاه دهقانان، به ستم های تاریخی بر این طبقه خاتمه می بخشد.

ماده هفتم: در کنار دهقانان، خُرده بورژوازی که شامل روشنفکران، هنرمندان، نویسندگان، داکتران، اهل کسبه، مأموران (آنانی که در بست های سیاسی کار نمی کنند)، دکانداران، پیشه وران و افرادی با شغل های آزاد می باشند، در انقلاب دموکراتیک نوین متحد پرولتاریا بوده، اقشار میانه و تهیدست آن بیشتر و زود تر در انقلاب سهم می گیرند و از متحدان نزدیک پرولتاریا محسوب می شوند. در شرایط کنونی دانشمندان، مهندسان، تخنیکران، استادان، معلمان، نویسندگان، هنرمندان، داکتران، مأموران و خبرنگاران با درنظرداشت این که نیروی خود را به فروش می رسانند یا نه، در قطار پرولتاریا یا خرده بورژوازی جا می گیرند.

روشنفکران در برابر حوادث سیاسی حساس بوده، اما با ضعف های زیادی که دارند، بار مشکلات انقلاب را تحمل نکرده، بسیاری از آنان تا زمانی که در تئوری و پراتیک انقلابی آبدیده نشوند و اخلاقیات پرولتری را در عمل کسب نکنند، در نیمه راه، انقلاب را ترک خواهند کرد. احزاب و سازمان های کمونیستی در ابتدای تشکیل، صفوف خود را از روشنفکران پر می سازند، اما در جریان پراتیک انقلابی از یک طرف با بریدن روشنفکران از افکار خرده بورژوائی و از سوی دیگر با وارد کردن پیشروان طبقه کارگر، حزب از روشنفکران خرده بورژوا منزله می گردد.

ماده هشتم: بورژوازی ملی در شرایط کنونی فوق العاده ضعیف بوده، با هجوم کمپنی های امپریالیستی و بورژوازی کمپرادور در وضعیت ناهنجاری قرار دارد و هر روز خبر ورشکستگی کارخانه های این طبقه، از شهرک های صنعتی کابل، هرات، قندهار، مزار شریف و جلال آباد به گوش می رسد. این طبقه تا حال چندین اتحادیه صنعتی را تأسیس نموده که ظاهراً از حقوق شان در برابر سرمایه های خارجی دفاع می کنند. تولید کوچک که برای شرکت های سرمایه داری کمپرادور قرین به صرفه نیست، به این طبقه واگذار گردیده است که از این طریق مصروف استثمار کارگران می باشد. بورژوازی ملی طبقه بینابینی است و آماده همکاری با امپریالیسم می باشد، اما وقتی به علت ضعف سرمایه مورد توجه و الطاف این شرکت ها قرار نمی گیرد و در مرز ورشکستگی قرار می گیرد، با نیرو های ضد امپریالیستی متحد می گردد. این طبقه در جریان انقلاب نیز می تواند با سرمایه داری دلالت تبانی کند و به انقلاب پشت نماید، لذا انقلابیون باید در اتحاد با این طبقه هوشیار و حساس باشند، رهبری را هرگز به آن نسپارند و سیاست وحدت - مبارزه را با آن جداً رعایت کنند.

پرولتاریا جهت استفاده از تضاد بین بورژوازی ملی و امپریالیسم و تجرید دشمن به اعلی درجه با بورژوازی ملی متحد می شود، اما فعالیت های انقلابیون و به راه انداختن انقلاب دموکراتیک نوین به هیچ وجه موقوف به ساختن چنین اتحاد و جبهه ای نمی گردد.

ماده نهم: ملاکان ارضی که یا از طریق کسب بهره مالکانه دهقانان را استثمار می کنند و یا هم با ایجاد حلقه های مافیائی توده های ستمدیده دهقانی را غارت می کنند، پایگاه امپریالیسم را در دهات می سازند. پیروزی انقلاب دموکراتیک نوین با انقلاب ارضی و مصادره املاک ملاکان تکمیل می گردد. با این که در جریان بیش از سه دهه جنگ، ملاکان ارضی ضربه خورده، موقعیت گذشته شان را ندارند، اما ملاکان تازه به دوران رسیده که از درون جریانات تنظیمی سر برآورده اند، با گروپ های مسلح و بعضاً حزب و سازمان به بدترین وجهی دهقانان را استثمار کرده، مورد بهره برداری های سیاسی قرار می دهند. این طبقه که صاحب زمین و ابزار تولید بوده و آماده خدمت به اشغال امپریالیست ها می باشد، در انقلاب دموکراتیک نوین یکجا با امپریالیسم سرنگون می شود.

ماده دهم: بورژوازی کمپرادور پایگاه اصلی امپریالیسم در کشور ماست. این طبقه در خدمت شرکت های امپریالیستی قرار دارد، لذا امپریالیست های امریکائی و اروپائی با تمام قوا تلاش دارند تا این طبقه را تقویت نمایند و از طریق آن نه تنها سرمایه های شان را به کار ببندازند، بلکه در آینده آن را به گرداننده اصلی قدرت سیاسی در کشور مبدل گردانند. این طبقه همین حالا در بخش های بسیاری سرمایه های امپریالیستی را به کار انداخته است، مخصوصاً در بخش های مخابراتی، معادن، بانکداری، صنایع، ساختمانی و تجارت چون سگ پاسبان منافع امپریالیسم عمل می کند. این طبقه در انقلاب دموکراتیک نوین یکجا با امپریالیسم سرنگون می گردد و تمام دارائی های آن ملی اعلام می شود.

ماده یازدهم: سازمان انقلابی افغانستان معتقد است که جهت به فرجام رساندن انقلاب دموکراتیک نوین به سه سلاح انقلاب ضرورت است. حزب، ارتش و جبهه متحد ملی ابزار هائی اند که جهت براندازی امپریالیسم و دولت دست نشانده آن

ضروری بوده، بدون چنین ابزار هائی ممکن نیست سازمان ما نبرد مسلحانه و راه محاصره شهرها از طریق دهات و سرنگونی امپریالیسم و دولت پوشالی آن را به فرجام برساند.

ماده دوازدهم: تلاش در جهت تأسیس حزب واقعی طبقه کارگر از وظایف اصلی و مرکزی سازمان ماست، زیرا بدون ایجاد چنین حزبی، هیچ سازمانی قادر به رهبری پرولتاریا و زحمتکشان تا رسیدن به جامعه سوسیالیستی نیست. حزب طبقه کارگر افغانستان در جریان کار عملی و مبارزه ایدئولوژیک در داخل کشور و از وحدت کمونیست های انقلابی به میان می آید.

سازمان ما دست هر نهاد، حزب و فردی را که برای مارکسیسم - لنینیسم - اندیشه مائو تسه دون کار می کند، به گرمی فشرده، معتقد به وحدت اصولی بوده و در تحقق آن می کوشد. سازمان ما نیندیشیدن به وحدت اصولی را خیانت به مارکسیسم - لنینیسم - اندیشه مائو تسه دون می داند، اما انعطاف انقلابی را به هیچ وجه رد نمی کند.

ماده سیزدهم: برای به فرجام رساندن انقلاب دموکراتیک نوین، نیاز به ارتش انقلابی است. این ارتش متشکل از کارگران، دهقانان و تمام طبقاتی است که علیه امپریالیسم و فئودالیسم می جنگند. با پیروزی انقلاب دموکراتیک نوین، طبقات خلق (طبقاتی که طرفدار ایجاد جامعه سوسیالیستی هستند)، تشکیل دهنده ارتش انقلابی هستند تا دیکتاتوری پرولتاریا را تسجیل نمایند.

ماده چهاردهم: تشکیل جبهه متحد ملی یکی از سه سلاح عمده انقلاب دموکراتیک نوین است. این جبهه یک نوع همسوئی میان پرولتاریا، دهقانان، خرده بورژوازی و بورژوازی ملی جهت برانداختن دشمن مشترک می باشد. پرولتاریا در این جبهه با بورژوازی ملی سیاست وحدت - مبارزه را در پیش می گیرد. پرولتاریا، ساختن جبهه متحد را به بورژوازی ملی نه تنها منحصر نمی سازد، بلکه در قسمت ایجاد این جبهه با بورژوازی ملی بسیار محتاطانه عمل می نماید، زیرا به نقش دوگانه و ضعفش در مبارزه با امپریالیسم واقف و آگاه است.

ماده پانزدهم: دولت پوشالی که متشکل از ملاکان ارضی و بورژوازی وابسته به امپریالیسم است، به حیث دولت مرتجع، پوشالی، مزدور و مجری سیاست های اشغالگرانه، در انقلاب دموکراتیک نوین با اشغالگران یکجا سرنگون می گردد.

ماده شانزدهم: طالبان که دیدگاه ایدئولوژیک فئودالی دارند، جاهل ترین نیرویست که وابسته به استخبارات کشور های مختلف می باشد. این نیرو که مخالف هر نوع ترقی و پیشرفت است، در خدمت امپریالیسم و مافیای مواد مخدر قرار دارد. طالبان گرچه در ظاهر علیه اشغالگران می جنگند، اما با سیاست های ماورای فاشیستی و ضد مردمی خود در خدمت اشغالگران قرار گرفته، عملاً عمر اشغال را دراز تر می سازند و به صورت غیر مستقیم در خدمت ستراتیژی های امپریالیستی در کشور ما قرار دارند. سازمان ما ضمن این که دشمن اصلی و عمده را هرگز فراموش نمی کند، اتحاد با این نیرو را ضد انقلابی دانسته، آن را دشمن خلق می شمارد.

ماده هفدهم: داعش، نیروی جنایتکار مذهبی که دارای دیدگاه ایدئولوژیک فئودالی است، جزوی از پروژه اشغال و رقابت های امپریالیستی در کشور ماست. داعش، به حیث نیروی ذخیره امپریالیسم برای رقابت های امپریالیستی در منطقه، جزوی از دشمنان خلق به شمار می رود و در جبهه ضد خلق قرار دارد که وظیفه انقلابیون است تا ماهیت این دشمنان قسی القلب را به توده ها شناسانده و در طرد هر چه بیشتر آن تلاش کنند.

ماده هژدهم: ائتلاف ها، جبهه ها و شوراهای پوشالی که بخش عمده آن را جنایتکاران جهادی و غیر جهادی می سازند، جریان های ضد مردمی هستند که تا فرق در وابستگی غرق بوده، یا جاده صاف کن نیرو های امپریالیستی در کشور ما به حساب می آیند و یا هم به طور مستقیم در خدمت امپریالیست ها قرار دارند. این جریان ها که ظاهراً خود را «اپوزیسیون» حکومت جا می زنند، متشکل از بورژوا های وابسته، ملاکان ارضی نو به دوران رسیده و بخشی از خرده بورژوازی مرفه هستند که جزو دولت پوشالی محسوب می شوند و از این رو، در زمره دشمنان خلق محسوب شده، اتحاد با آن ها همگامی با دشمنان خلق به حساب می آید.

ماده نوزدهم: بقایای رهبری «حزب دموکراتیک خلق افغانستان» که در حال حاضر در خدمت امپریالیست های امریکائی و ناتوئی قرار دارند و با شرکت در دولت پوشالی و احزاب رسمی، مدافع اشغالگران هستند و از جاسوسی و مزدوری به سوسیال

امپریالیسم شوروی به امپریالیست های امریکائی و ناتوئی استحاله نموده اند، از دشمنان خلق ما به شمار می روند، سازمان ما اتحاد با آنان را ضد انقلابی می داند.

ماده بیستم: احزاب سرکاری، جامعه مدنی پوشالی و نهاد های استعماری که مستقیم و غیر مستقیم با پول بورژوازی امپریالیستی و دول مرتجع منطقه برای اشغال و امپریالیسم و دولت های مرتجع خدمت می کنند، جزو نهاد های ارتجاعی، مزدور و در ضدیت با منافع خلق قرار دارند. سازمان انقلابی افغانستان ضمن افساء ماهیت این نهاد ها، هر نوع همسوئی با گردانندگان آن را خیانت ملی - طبقاتی تلقی می کند.

ماده بیست و یکم: سازمان ما شرکت در انتخاباتی را که در زیر سایه اشغالگران صورت می گیرد، جز تثبیت موقعیت اشغالگران و دولت پوشالی چیزی ندانسته، آن را مردود و ضد انقلابی می داند. انتخابات نمایشی ریاست جمهوری و پارلمانی یک دهه گذشته و به خصوص انتخابات اخیر ریاست جمهوری که منجر به ایجاد حکومت «وحدت ملی» به وسیله جان کری شد، نشان داد که امپریالیسم چگونه راه را برای ورود جنایتکاران و دشمنان طبقاتی زحمتکشان به کرسی های قدرت هموار می سازد و دموکراسی امپریالیستی چیزی جز تثبیت استعمار نیست.

ماده بیست و دوم: بنیاد کار تشکیلاتی سازمان ما بر پنهانکاری استوار است. اما استفاده از شرایط علنی، قانونی و نیمه قانونی برای تبلیغ و ترویج انقلابی، زمینه هائی است که سازمان ما آن را نادیده نمی گیرد. کار دموکراتیک سازمان در خدمت انقلاب ملی - دموکراتیک و کار سوسیالیستی قرار دارد. ما قطعاً انجواپسم، رفورمیسم، حزب علنی، نهاد های پروژه ای، برنامه های بازسازی، توزیع خیر و خیرات و کمک های خیریه را جزوی از کار دموکراتیک ندانسته، بلکه خدمت به امپریالیسم و اشغالگران می دانیم.

ماده بیست و سوم: زنان که نیمی از پیکر جامعه ما را می سازند، زیر ستم چند لایه قرار دارند، تا زمانی که به آگاهی طبقاتی نرسند، ممکن نیست از این همه ستم (ملی، طبقاتی و جنسیتی) رهائی یابند. این خود زنان هستند که با آگاهی از وضعیت اجتماعی و متشکل شدن در یک سازمان انقلابی می توانند به رهائی واقعی دست یابند.

سازمان ما کار میان زنان را از وظایف اصلی خود به حساب آورده، هر نوع برخورد ابزاری، فئودالی و ارتجاعی نسبت به زن را ضد مارکسیستی دانسته، معتقد است که بدون شرکت زنان هیچ انقلابی به پیروزی نمی رسد.

ماده بیست و چهارم: سازمان ما معتقد به جدائی دین از سیاست بوده، از سیکولاریسم دفاع می کند؛ دین را امر خصوصی دانسته، به این پدیده برخورد علمی داشته و از هر نوع برخورد راست روانه و چپ روانه درین مورد ابا می ورزد.

ماده بیست و پنجم: افغانستان کشور چند ملیتی است. مسأله ملیتی که یکی از ظریف ترین مسائل اجتماعی کشور ماست، با دو برخورد شئونیسیم عظمت طلبانه طبقات حاکمه ملیت پشتون و ناسیونالیسم تنگ نظرانه طبقات حاکمه سائر ملیت ها خود را می نمایند. سازمان ما وظیفه خود می داند که در کنار طبقات زحمتکش تمام ملیت ها علیه شئونیسیم عظمت طلبانه و ناسیونالیسم تنگ نظرانه به مبارزه قاطع بپردازد. سازمان انقلابی افغانستان وحدت ملیت ها را در مبارزه علیه امپریالیسم امر حتمی می داند و در راستای تقویت روحیه همبستگی خلق های تمام ملیت ها در مبارزه علیه امپریالیسم و فئودالیسم تلاش می کند.

ماده بیست و ششم: سازمان انقلابی افغانستان دفاع از تمامی جنبش های آزادیبخش کمونیستی، ملی - مترقی و ضد امپریالیستی را وظیفه خود دانسته، تا حد توان به آن ها یاری می رساند و متقابلاً چنین انتظاری دارد. سازمان در برخورد با تشکلات مارکسیستی با برابری و احترام متقابل برخورد کرده، هرگونه مداخله دیگران در امور داخلی خود را خلاف اصل انترناسیونالیسم پرولتری دانسته، خود را نیز ملزم به رعایت چنین اصلی می داند.

* * *

اساسنامه سازمان انقلابی افغانستان

فصل اول اصول تشکیلاتی

ماده اول: ساختار تشکیلاتی سازمان انقلابی افغانستان بر اصل سانترالیسم دموکراتیک به شکل ذیل استوار است:
تمام سازمان از مرکزیت سازمان پیروی می کند.

- فرد از تشکیلات

- اقلیت از اکثریت

- ارگان های پائین از ارگان های بالا

- تمام سازمان از کمیته مرکزی

- مسؤول اجرائی از بیوروی سیاسی و بیوروی سیاسی از کمیته مرکزی

- کمیته مرکزی از کنگره سازمان

ماده دوم: رهبری جمعی و مسؤولیت فردی در تمام بخش های سازمان رعایت می شود.

ماده سوم: اصل انتخابی بودن:

- مسؤول اجرائی، بیوروی سیاسی، اعضای اصلی و علی البدل کمیته مرکزی سازمان انتخابی، ولی سائر ارگان های سازمانی با در نظر داشت شرایط کنونی کشور ما و رعایت اصل پنهانکاری، انتخابی بوده نمی توانند و اصل لنینی اعتماد درون تشکیلاتی در مورد سائر ارگان های تشکیلاتی سازمان رعایت می گردد.

- تصامیم ارگان های بالائی در ارگان های پائینی مرعی الاجراء می باشد و الی که ارگان های پائینی تصمیمی را موافق حال خود نبینند، در آن صورت مخالفت خود را با تصمیم اتخاذ شده با توضیحات کتبی دو باره به ارگان های بالائی راجع ساخته و در صورت تعدیلات در تصمیم، موافقه ارگان های بالائی را اخذ می کند. اگر ارگان بالائی با مخالفت و تعدیل موافق نباشد، در آن صورت ارگان های پائینی مکلف به اجرای تصمیم ارگان های بالائی هستند.

- مرعی الاجراء بودن دساتیر کمیته مرکزی در حالات اضطراری.

ماده چهارم: اصل گزارش دهی:

- ارگان های پائینی سازمان از طریق کمیته های مسؤول گزارش خود را به ارگان های بالاتر می دهند.

- مسؤول اجرائی که مسؤولیت بیوروی سیاسی سازمان را نیز به عهده دارد، گزارش کار خود را به بیوروی سیاسی می دهد.

- بیوروی سیاسی گزارش کار خود را به کمیته مرکزی می دهد.

- کمیته مرکزی گزارش کار خود را به کنگره و نشست های همگانی ارائه می کند.

فصل دوم

عضویت

ماده پنجم: هر هموطن ما که حداقل هفده ساله باشد و برنامه و اساسنامه سازمان را بپذیرد و در یکی از حوزه های سازمانی فعالیت کند، تصامیم سازمانی را به اجرا درآورد، پنهانکاری را رعایت نماید، دساتیر سازمان را آگاهانه بپذیرد و حق العضویت بپردازد، عضو سازمان انقلابی افغانستان محسوب می شود.

ماده ششم: وظایف عضو سازمان انقلابی افغانستان قرار ذیل است:

- عضو سازمان باید زندگی اش را وقف انقلاب پرولتری نماید، در راه منافع توده ها مبارزه کند و وظایف سازمانی را فعالانه انجام دهد.

- مارکسیسم - لنینیسم - اندیشه مائو تسه دون را با جدیت و فعالانه مطالعه کرده و به کار بندد.

- از برنامه، اساسنامه، مصوبات و قرار های تشکیلاتی تبعیت کرده، انضباط سازمانی را رعایت نماید.

- حق العضویت خود را ماهانه به طور منظم بپردازد.

- نوعیت پرداخت حق العضویت در سند جداگانه به وسیله بیوری سیاسی تنظیم، به وسیله کمیته مرکزی تصویب و به اطلاع مسؤولان حوزه ها رسانده می شود.

ماده هفتم: عضو سازمان انقلابی افغانستان باید در کار و زندگی سازمانی سرمشق، صادق، درستکار و قاطع باشد؛ در برابر دشمن جسور باشد، در فکر مقام آسوده و کسب شهرت نباشد، از سرکوب و ارباب نهراسد، منافع شخصی را تابع منافع سازمانی نماید، اسرار و اطلاعات درونی سازمان را در هر شرایطی حفظ کند، در انتقاد و انتقاد از خود جسارت داشته باشد، انضباط سازمان را قاطعانه رعایت نماید، اخلاق پرولتری داشته باشد، از توهین و تحقیر زحمتکشان بپرهیزد، از اعتیاد دوری جوید، در حفظ اموال سازمان تلاش ورزد، شجاعانه کمبودها و انحرافات را نشان دهد و در راه رفع آن ها کوشش کند. عضو سازمان باید با خودنمائی، تکبر، خودپرستی و ظاهرسازی مبارزه نماید؛ قاطعانه علیه هر گونه نقض دموکراسی درون تشکیلات و آزاد اندیشی و جلوگیری از انتقاد به مبارزه برخیزد؛ در جلب و جذب اعضای جدید تلاش نماید؛ اهداف برنامه و سیاست های سازمان را تبلیغ و ترویج نماید، نسبت به مسأله زن برخورد مارکسیستی داشته باشد و همواره از اصل «سه آری و سه نه» پیروی کند، یعنی مارکسیسم را به کار ببندد، نه رویزیونیسم را؛ وحدت ایجاد کند، نه تفرقه؛ رُک و صریح باشد، نه توطئه گر و دسیسه چین.

ماده هشتم: هر عضو سازمان حق دارد:

- با در نظر داشت مفاد ماده سوم در انتخاب ارگان های مشخصی که به انتخاب گذاشته می شوند، شرکت کرده و از حق انتخاب کردن و انتخاب شدن برخوردار می باشد.

- در باره مسائل، سیاست ها، برنامه ها و فعالیت های سازمان در کنگره، کنفرانس ها و سائر گردهمائی ها آزادانه بحث کند و نظر خود را آشکارا بیان نماید، از آن دفاع کند و پیشنهاد دهد.

- در مورد تصامیمی که پیرامون زندگی سازمانی و فعالیت هایش اتخاذ می گردد، اقناع شود، به سؤالاتش پاسخ داده شود و به پیشنهاد هایش رسیدگی صورت بگیرد.

- از طریق مسؤول حوزه از ارگان های بالاتر گزارش منظم پیرامون تصامیم و سیاست های سازمان بخواهد و تا جائی که به پنهانکاری لطمه نزنند، مسؤول حوزه باید گزارش دهد.

ماده نهم: پذیرش اعضاء در سازمان انقلابی افغانستان قرار ذیل است:

- اعضاء جدید از میان کاندیدا های عضویت که دوره تعیین شده آزمایشی را گذرانده باشند، به عضویت پذیرفته می شوند (به استثنای انقلابیونی که فعالیت های کمونیستی آنان برای حداقل دو نفر از اعضاء سازمان از لحاظ زمانی معین و مشخص باشد).

- پذیرش عضویت سازمان از صلاحیت های کمیته های محلی است که باید به تأیید بیوری سیاسی برسد.

- متقاضیان عضویت باید توسط یک تن از اعضای سازمان معرفی شوند.

ماده دهم: مراحل پذیرش عضویت در سازمان بر اساس ذیل می باشد:

- برای پذیرش عضویت در سازمان انقلابی افغانستان، کاندیداتوری عضویت از مرحله هوادار آغاز می شود.

- هوادار، عضو حوزه تشکیلاتی نیست. هوادار برای دو ماه حداقل با یکی از اعضای سازمان در تماس می باشد و پس از ارزیابی وارد حوزه سازمانی می شود و عضو آزمایشی به حساب می آید. در غیر آن، روابط با او در چهارچوب هوادار سازمان تنظیم می گردد.

- عضو آزمایشی از تمامی حقوق عضو جز انتخاب کردن و انتخاب شدن برخوردار است.

- عضو آزمایشی پس از سپری نمودن چهار ماه دوره آزمایشی عضویت سازمان را به دست آورده می تواند. در صورتی که عضو آزمایشی در این چهار ماه قناعت کمیته مربوطه را فراهم نسازد، عضویت آزمایشی اش برای یک بار دو ماه تمدید می گردد.

- عضو آزمایشی در مدت چهار ماه باید حداقل در هشت حوزه سازمانی حاضر باشد.

- عضو آزمایشی نصف حق عضویت را می پردازد.

- پس از آن که عضو آزمایشی عضو رسمی شد، عضویت او برایش ابلاغ می گردد، و این تعهد را در حوزه خود ابراز می دارد: «من به مثابه عضو صادق سازمان انقلابی افغانستان برنامه و اساسنامه آن را قبول دارم و تعهد می نمایم که برای رهایی کشور از استعمار و نجات توده های تهیدست و زحمتکش از استثمار مبارزه کنم، جانم را در راه پرشکوه انقلاب و زحمتکشان فدا نمایم، اسرار سازمان را چون مردمک چشم عزیز داشته، سازمان را حمایت نموده و تمام توانائی های مادی و معنوی ام را در خدمت سازمان و انقلاب قرار دهم.»

ماده یازدهم: عضویت و کناره گیری از سازمان داوطلبانه است. هر عضو بعد از کناره گیری باید کلیه مسؤولیت ها، اسناد و دارائی سازمان را به حوزه اش تحویل دهد و اسرار سازمان را حفظ نماید. در صورتی که عضو کنار رفته، به دشمن نپیوندد و اسرار سازمان را حفظ کند، برخورد با او به مثابه یک دوست خوب تنظیم می گردد و سازمان مکلف است رابطه اش را با او حفظ کند.

ماده دوازدهم: اقدامات انضباطی:

- عضوی که سه ماه بدون عذر موجه حق عضویت خود را پرداخت نکرده و در این مدت عملاً تماس خود را با سازمان قطع نموده باشد، حوزه مربوطه در مورد عضویتش تصمیم می گیرد و تصمیم خود را به ارگان بالاتر اعلام می کند.

- در صورت انجام ندادن وظایف مطروحه در اساسنامه و نقض انضباط، اقدامات زیر با دو سوم آرای اعضای حوزه مربوطه انجام می گیرد:

- اخطار، از سوی مسؤول حوزه مربوطه داده می شود.

- سلب مسؤولیت، با رأی دو سوم اعضای حوزه مربوطه رسمیت می یابد.

- تعلیق عضویت، توسط کمیته مرکزی ابلاغ می گردد. مدت تعلیق حداکثر چهار ماه برای یک بار می باشد که در این مدت عضو حق انتخاب و انتخاب شدن را ندارد، ولی از سایر حقوق اعضاء برخوردار است.

- در مورد خطا های جزئی، وسائل تربیت و تأثیرگذاری به صورت انتقاد و انتقاد از خود و تذکر به کار گرفته می شود.

- هر عضوی که مورد اقدامات انضباطی قرار می گیرد، از زمان ابلاغ در مدت سه ماه حق بازخواست از کمیته خود تا کمیته مرکزی را دارد.

- هر عضو سازمان که متهم به خیانت و جنایت در درون سازمان گردد و خیانت و یا جنایت آن عضو ثابت شود، کمیته مرکزی با دو ثلث آراء در زمینه تصمیم مقتضی اتخاذ خواهد نمود.

فصل سوم

ارگان های مرکزی

ماده سیزدهم: عالی ترین و بالاترین ارگان سازمان انقلابی افغانستان، کنگره است که هر چهار سال یک بار با شرکت دو سوم نمایندگان رسمیت می یابد.

- کنگره فوق العاده توسط دو سوم آرای کمیته مرکزی فراخوانده می شود و پس از تصویب آن حداکثر ظرف دو ماه تشکیل می گردد و زمانی رسمیت می یابد که حداقل اعضای کمیته مرکزی، اعضای علی البدل کمیته مرکزی و مسؤولان واحدهای سازمان در آن اشتراک نمایند.

ماده چهاردهم: وظایف اساسی کنگره قرار ذیل است:

- تصویب و تعدیل برنامه، اساسنامه و مشی سازمان؛

- تصویب فعالیت ها و گزارش های سازمان میان دو کنگره؛

- تعیین تعداد و انتخاب اعضای کمیته مرکزی و تعیین تعداد و انتخاب اعضای علی البدل کمیته مرکزی سازمان.

ماده پانزدهم: در فاصله میان دو کنگره، کمیته مرکزی بالاترین مرجع سازمان است که در برابر کنگره بعدی مسؤول می باشد.

- کمیته مرکزی از طرف مسؤول اجرایی سازمان رهبری می شود.

- مسؤول اجرایی به اساس کاندیداتوری در کمیته مرکزی و به اساس رای کمیته مرکزی انتخاب می گردد.

- مسؤول اجرایی سازمان هر دو سال یک بار در وسط دو کنگره در جلسه کمیته مرکزی که اعضای علی البدل نیز حضور می داشته باشند (منحیث ناظر) به منظور جلوگیری از استبداد درون تشکیلاتی به رای گذاشته می شود. در صورتی که دو سوم اعضای کمیته مرکزی کار مسؤول اجرایی را ناقص و مملو از کمبود ها ارزیابی کنند، می توانند یک تن از اعضای دیگر کمیته مرکزی را به حیث مسؤول اجرایی سازمان تا زمان برگزاری کنگره انتخاب نمایند. مسؤول اجرایی، کماکان عضو کمیته مرکزی باقی می ماند، مگر این که کار او به اندازه ای ناقص و مملو از کمبود ها باشد که شایستگی در مرکزیت سازمان را از دست داده باشد. (در جلسه سلب عضویت کمیته مرکزی از مسؤول اجرایی حداظمی پنج تن از کادر هائی که در کنگره شرکت کرده باشند، به حیث ناظر می توانند شرکت کنند.)

- در فاصله میان دو جلسه کمیته مرکزی، بیوروی سیاسی بلندترین مرجع تشکیلاتی سازمان است که امور روزمره سازمان را زیر نظارت دارد و جلسه کمیته مرکزی را دعوت می نماید.

- بیوروی سیاسی از اعضای کمیته مرکزی از طریق کاندیداتوری و رای اکثریت اعضای کمیته مرکزی انتخاب می گردد.

- بیوروی سیاسی در مناسبات با احزاب و سازمان های دیگر، سازمان را نمایندگی می کند.

- نشست های کمیته مرکزی هر شش ماه یک بار دائر می گردد، در صورت لزوم و به پیشنهاد دو سوم اعضا، می تواند قبل از موعود معینه دعوت شود.

- کمیته مرکزی با آرای دو سوم می تواند عضو جدید (از میان اعضای علی البدل کمیته مرکزی) را به جای عضو قبلی که بنابر دلائل مختلف از کمیته مرکزی کناره گیری کرده و یا دیگر حضور ندارد، تعیین نماید.

- کمیته مرکزی با آرای دو سوم می تواند یکی از شرکت کنندگان کنگره را به جای یکی از اعضای علی البدل کمیته مرکزی که بنابر دلائلی از مقامش کناره گیری می کند، به حیث عضو علی البدل کمیته مرکزی تعیین نماید.

- دو سوم اعضای کمیته مرکزی می توانند عضو کمیته مرکزی را بنابر دلائلی اخراج نمایند. عضو اخراج شده حق دارد به تصمیم کمیته مرکزی در حضور پنج تن از کادر های سازمان (سه تن را کمیته مرکزی و دو تن را عضو اخراج شده از میان اعضای سازمان انتخاب می نمایند) اعتراض کند و از خود دفاع نماید.

ماده شانزدهم: کمیته مرکزی به خاطر پیشبرد کار ها باید کمیته های ذیل را ایجاد نماید:

- کمیته تشکیلات

- کمیته آموزش و نشراتی

- کمیته مالی

- کمیته کار دموکراتیک

کمیته مرکزی بنابر ضرورت می تواند زیر رهبری خود کمیته های دیگری را نیز ایجاد کند و وظایف مشخصی را به بیوروی سیاسی بسپارد.

۱۹ عقرب ۱۳۹۶ ش